

## خلق را تقلیدشان بر باد داد

در لایبای اخبار به دوخبر برخوردیم. خبر اول: شرکت پژو سهم بزرگی از سود حاصله خویش در سال گذشته راناشی از فعالیت پژو در ایران میداند و خبر دوم: اروپایی ها از گسترش صنعت اتومبیل کره و نفوذ آن در اروپا و جهان نگرانند. بخاطر دارم، هنگامی که دوران ابتدایی را میگذراندم، روزی در کلاس درس، دفترچه هایی را بین تمامی دانش آموزان توزیع کردند که دارای تصاویر مختلفی از یک اتومبیل بود و ما باید به دلخواه آنها را رنگ آمیزی میکردیم. به ما گفتند این اتومبیل پیکان نام دارد و اولین خود رو ساخت ایران است و به قید قرعه به یکی از دانش آموزانی که بهترین رنگ را ارائه کند اتومبیلی را جایزه خواهند داد. آن موقع نمایانستیم پیکان و صنعت اتومبیل چه سرنوشتی خواهد یافت. در ما غرور کاذبی ایجاد شد زیرا پیکان را نه صنعت وابسته که صنعت ملی تصور می کردیم. امروز در ایران، 24 نوع اتومبیل در حال مونتاژ است و از صنعت ملی خبری نیست. تنها اتومبیلی که تا نزدیک به پنجاه درصد در ایران ساخته میشود سمند است که آن نیز از استانداردهای جهانی فاصله دارد. اما در شرق قاره آسیا، کره جنوبی که تقریباً همزمان با ایران، مونتاژ اتومبیل را با هدف رسیدن به صنعت کامل، آغاز کرد، امروز، دارای چندین کارخانه اتومبیل سازی است که در سراسر جهان بزرگترین سازندگان خود رو را به چالش میطلبد. چرا فکر ساخت اتومبیل که در ایران و کره جنوبی همزمان ایجاد میشود دو فرجام متفاوت پیدا می کند؟ چرا کره ای ها توانا به رقابت جهانی شدند و ما هنوز در چنبره مونتاژ گرفتاریم؟ دقت در رفتار کشورهای در حال توسعه ای که همچنان درجا میزنند، بخصوص رفتار ایران، ما را مطمئن می کند که مولوی نیک دریافته بود که: خلق را تقلیدشان بر باد داد.

مستبدان و اربابان قدرت به خوبی دریافته اند که مردم پرسشگر و جوامع متحرک تن به استبدادشان نمیدهند. پس لازم دیدند آنان را مقلد بار آورند. بطوری که دنیا و آخرت خود را در گرو تقلید کردن بدانند و، به تقلید، در غفلت از رشد خود بمانند. در امور مادی و زندگی، تقلید از صنعت و مدها، باب شد. در دین، چون، باب اجتهاد در دسترس همه کس نیست لذا مراجع تقلید لازم آمدند.

آموختن از تجارب دیگران و الگوها را سرمشق کردن، که آموختن و بکار بستن روش رشد و شیوه فعال کردن استعدادها، پسندیده و صرفه جویی در وقت است. تقلید کور کورانه و بدور از پرسشگری، تقلیدی که مانع ابتکار و شکوفایی انسان است بلای جان جامعه است حتی اگر به بهترین نحو انجام پذیرد. موزیسینی که فقط به اجرا و تقلید اساتید میپردازد و از خود ابتکار ندارد فقط میتواند یک نوازنده خوب بگردد، تازه اگر در عمل خویش آزادی داشته باشد. حال در جوامعی که در همه امور خویش فقط به تقلید خود کرده باشند و ابتکار را لازم ندانند و در این تقلید هم آزاد نباشند، بالطبع تکلیف سازی برای انسانها، خلاء ابتکار آنها را پر میکند. خرافه و خرافه پردازی بازار و خریدار پیدا میکند.

یکی از کارهای قدرت، جایگزین کردن منافع ویا مصالح با حقوق است. در این کار چنان اصرار می ورزد که در جامعه نیز این فکر غالب میگردد. لذا همیشه در مباحث صحبت از منافع یا مصالح ملی در میان است و نه از حقوق. هرچه افراد جامعه از حقوق خویش کمتر آگاهی داشته باشند آسانتر میشود بنام منافع و مصالح ملی حقوقشان را پایمال کرد. امروز از کارهای بایسته این است که روشنفکران و تحصیلکردگان و دانشجویان یاد آور حقوق ملی باشند تا عرفان به این حقوق در جامعه ارتقا یابد و درایت بر روایت پیشی گیرد ولی با کمال تاسف بخشی به عمد و برخی به سهو در تداخل و جایگزینی این دو اصرار دارند. وقتی نفع و مصلحت، به ناحق، جای حق نشست وقتی حق تعیین سرنوشت و هدایت خویش از مردم سلب و به مقامی خارج از اراده آنها سپرده شد و امکان هرگونه ابتکاری از آنها سلب شد، آنگاه و بنا بر فرض فوق و فلسفه تقلید (عامی دانستن مردم و اینکه قادر به تشخیص مصلحت خویش نیستند) مقامی لازم می آید تا منافع و مصالح را تشخیص دهد، پس مقام ولایت و شورای تشخیص مصلحت این امر را عهده دار میگردد. انتخابات که وسیله ابراز حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش است، خود هدف میگردد و باز بنا بر فلسفه تقلید چون عوام قادر به تشخیص مصلحت خویش نیستند، شورای نگهبان این وظیفه را بر عهده میگیرد و به مردم لطف می کند و عده ای را که صالح می داند به آنها معرفی میکند تا از میانشان "نماینده" انتخاب نمایند. در این امر نیز مردمی که رأی می دهند، درس اول رأی دادن را که بکار انداختن قوه ابتکار، قوه رهبری و حق و مسئولیت رهبری است را نمی آموزند. بلکه خود را از ابتکار ممنوع می کنند و به تقلید از شورا عمل مینمایند. در چنین جامعه ای، فرهنگ استبداد زمینه رشد مناسبی میابد.

در حال حاضر، در ایران بحث انرژی هسته ای از مواردی است که میتوان به عنوان مثال ذکر کرد. قدرت حاکم با عنوان منافع ملی و ایجاد غرور کاذب در ملت کوشاست تا اهداف خویش را پنهان کند. از جمله این هدفها میتوان به گرفتن تضمین بقا رژیم از سوی آمریکا و غرب اشاره کرد که این عمل خود، نقض کامل استقلال و مقایسه با حقوق ملی است. اما دست اندرکاران امر، با مقایسه کردن ملی کردن صنعت نفت توسط دکتر محمد مصدق که در راستای حقوق ملی و استقلال ایران انجام پذیرفت، با برنامه های هسته ای ایران و یکسان شمردن آنها، اهداف خود را با پوشش منافع ملی پنهان میدارند. اگر صدایی به مخالفت با برنامه های هسته ای که از دید بعضی منافی حقوق ملیست بر خیزد، مخالفت با منافع ملی قلمداد شده و چون منافع ملی به غلط جای حقوق ملی نشسته است، جامعه نمی داند حق با کیست و صدای حق به سهولت خفه و خاموش می شود. هر روز از بومی شدن دانش هسته ای دم میزنند اما قادر نیستند ناوگان هوایی ایران را که دسترسی به دانش آن بسیار سهل تر از دانش هسته ای است بهینه سازی نمایند تا با هر پرواز جان هموطنان سرنشین در این تابوت های پرنده بخطر نیفتد. اما باید این ابهام را زدود و به مردم آگاهی داد که حقوق ملی مقدم بر هر نفع و مصلحتی است از جمله، حق مردم است تا از کم و کیف پروژه هسته ای و نیاز و یا عدم نیاز بدان اطلاع یابند. حق مردم است تا اولیاء و فرزندان و همسرانشان با خیال آسوده سفر نمایند و... رژیم ولایت مطلقه که امروز ماهیتی مافیایی او عریان گشته و دیگر پوششی را از قبیل اصلاحات و سازندگی ندارد، که پست های کلیدی را یکی پس از دیگری جانیکارانی از قبیل پور محمدی و محسنی اژه ای و تیر خلاص زنها در اختیار میگیرند توسل به مقام ولایت مطلقه فقیه را برای بقا کافی نمیداند، بنا بر این، ناتوانی و ضعف خود را در حاله ای از ابهام که همانا ارتباط با امام زمان است میپوشاند. لیست نمایندگان مجلس و سپس وزرا به خدمت امام زمان تقدیم میگردد و عهد نامه وزرا توسط وزیر ارشاد به چاه جمکران سقوط میکند تا بدینوسیله سقوط رژیم، خلاف عهد با امام زمان وانمود گردد. آقای احمدی نژاد میکوشد تاریکی فکر و عدم کار آیی خویش را پشت "هاله ای از نور که از ماورا" او را احاطه کرده است بپوشاند در حضور "مقامی روحانی" کلماتی را بزبان می آورد که از عقل سلیم بدور و قاعدتاً از سوی اکثر علمای اسلامی مذموم است، هنگام سفر به عربستان همزمانی ورود خویش و شاه عربستان را چنان تعریف و تبلیغ مینماید که القاء کند این رفتار، بواسطه امام زمان انجام گرفته است. بیاد یاوریم که همین حضرات در برهه ای از زمان نه چندان دور در نمازهای جمعه فریاد میزدند: «تبت یاد ای لیب، بریده باد دست فهد». حالاً امام زمان احمدی نژاد را پا به پا با جانشین فهد وارد جلسه می کند و این افتخار را به «رئیس جمهوری ایران» ارزانی می کند!.

در بار الهی نیز با دربار سلطان یکی شده و هر گاه "رئیس دولت امام زمان" قصد سفر ویا سخنرانی دارد از سوی این دربار قبلا هیئتی اعزام میگردد تا مقدمات سفر را فراهم سازد. مافیای حاکم بر ایران با برنامه ریزی خاصی و با بازی با اعتقادات مردم، بکار تشدید بحران هویت مردم در درون مرز و بیحران بر بحران افزودن در بیرون مرز است. تئوری حرکت قسری مصباح یزدی این نظریه پرداز خشونت، در حال اجراست. مگر همین حضرات برای استقرار استبداد خویش، جنگی را که با تجاویز نیروهای صدام آغاز گرفت و میتوانست پس از کمتر از یکسال خاتمه یابد بمدت هشت سال ادامه ندادند تا نفعش به آمریکا و انگلیس و اسرائیل برسد؟ آیا یکی از شعارهای جنگیشان این نبود که «راه قدس از کربلا میگردد»؟ آیا امروز بحرانی را نمی سازند که «راه تجاویز اسرائیل غاصب به ایران از کربلا بگذرد»؟. اخبار رسیده حاکی از ایجاد پایگاههای نظامی توسط اسرائیل در عراق است که در صورت ماجراجویی و حمله

موضعی به خاک ایران، مورد استفاده آنها قرار گیرد. بهوش باشیم تا نادانان بار دیگر میهن و مردم را در گیر جنگی که سودش به چند ملیتیها و مستبدین خونریز میرسد ننمایند. بیگانه پرستان نیز آماده اند تا از این بحران سود بجویند. جمعی در لباس مخالفت با رژیم خواب نوکری بیگانگان و رسیدن به قدرت بهر قیمت را میبینند و به آتش بحران دامن میزنند و از مشوقان حمله و جنگ با ایرانند و برخی به بهانه حق " تعیین سرنوشت خلفها " حقوق ملی را نادیده گرفته و خواب تجزیه و جدایی بخشهایی از وطن را در سر دارند. اما زیان این رفتار را ایران و مردم آن می بینند . آیا همه ایرانیان به این امر آگاهند؟ آیا امروز با بی تفاوتی و سکوت در برابر هر آنچه که در ایران میگذرد، تک تک ما مردم در قبال آینده و حتی حال وطن مسؤل نیستیم؟ ایران وطن ماست نگذاریم با جهل و نادانی ویرانش کنند.

[jmpaknejad@yahoo.fr](mailto:jmpaknejad@yahoo.fr)